



## قصاص مجازات قتل همسر سابق

مردی که به اتهام قتل همسر سابقش در بازداشت به سر می‌برد محاکمه و به قصاص محکوم شد.

به گزارش جوان، این حادثه ششمی دی‌سال۹۸ در یکی از محله‌های شهرستان چهار دانگه اتفاق افتاد. وقتی مأموران پلیس در محل حاضر شدند با جسد زن جوان که میترا نام داشت مواجه شدند و شوهر سابق او را که مردی ۳۷ساله به نام پیام بود بازداشت کردند.

مرد جوان در اولین بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: من و میترا چند سال قبل باهم ازدواج کردیم و صاحب دو دختر شدیم. ما از ابتدا با هم اختلاف داشتیم و مدام بر سر موضوعات مختلف مشاجره می‌کردیم. وقتی بچه‌ها به سن نوجوانی رسیدند اختلاف‌های ما هم بیشتر شد به طوری که مجبور به جدایی شدیم.

متهم ادامه داد: من سر پستی بچه‌ها را به عهده گرفتم و میترا برای دیدن آنها به خانه گشت؛ امروز صبح میترا گفت که طاقبت دوری بچه‌ها را ندارد و از من خواست اجازه دهم دوباره به زندگی برگردد که قبول نکردم. او بعداً خواست که منیاشا کنم تا بتواند کنار بچه‌ها باشد که باز هم به حرفش توجه نکردم.

متهم به شرح حادثه گفت: امروز صبح میترا برای دیدن بچه‌ها به خانه آمد. بعد از اینکه بچه‌ها راهی مدرسه شدند از من خواست که دوباره به زندگی برگردم. سر این موضوع باهم مشاجره کردیم و من کنترل خودم را از دست دادم و با چاقو چند ضربه به او زدم که کشته شد.

با اعتراف متهم و کامل شدن تحقیقات در این باره باز پرس پیام را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و کیفرخواست علیه وی صادر شد و متهم در شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

در جلسه رسیدگی به پرونده دو دختر متهم برای پدرشان درخواست قصاص کردند. پیام وقتی در جایگاه ایستاد اما اتهام قتل عمد را انکار کرد و گفت فقط یکی از ضربه‌ها را به میترا زده است. او گفت: وقتی مشاجره ما بالا گرفت من دست به چاقو ضدم و ضربه‌ای به میترا افتاد زدم و از خانه خارج شدم و نمی‌دانم بقیه ضربه‌ها را چه کسی وارد کرده‌است. هیئت قضات اما بعد از ختم جلسه وارد شور شد و متهم را به قصاص محکوم کردند.

## سرقت موتور سیکلت به بهانه تست کردن

سارق فرصت طلب که با معرفی کردن خودش به عنوان مأمور ارگان دولتی و به بهانه تست کردن موتور سیکلت اقدام به سرقت وسیله نقلیه می‌کرد بازداشت شد.

به گزارش جوان، ۱۷۰ اسفندسال۹۸ مردی با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و مأموران را از ماجرای سرقت موتورسیکلت پالس با خبر کرد. لحظاتی بعد تیمی از مأموران کلانتری ۱۶۳ ولنجک در محل حاضر شدند.

شاکی در توضیح شکایت خود گفت: چند روز قبل برای فروش موتورسیکلم در سایت دیوار آگهی دادم تا اینکه مردی تماس گرفت و بعد از گفتن مشخصات موتورسیکلمت گفت که قصد خرید دارد. من و آدرس خانام را به او دادم و آن مرد ساعتی بعد به در خانه‌ام آمد. او خودش را مأمور یکی از ارگان‌های دولتی معرفی کرد. بعد از بررسی موتورسیکلت و توافق بر سر قیمت از من خواست که سوار موتورسیکلت شود تا آن را امتحان کند. من هم به او اعتماد کردم و اجازه دادم تا سوار شود. آن مرد هم سوار موتورم شد و فرار کرد که شکایت دارم.

بعد از طرح شکایت پرونده به دستور باز پرس سه‌شنبه دادسرای ناحیه۴ تهران در اختیار تیمی از کاراگاهان اداره هفتم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. کاراگاهان در اولین گام با حضور در محل و بررسی دوربین‌های مداربسته تصویر متهم را که مردی ۲۵ساله بود به دست آوردند. تحقیقات بعدی مشخص کرد که متهم کارمان نام دارد و از مجرمان سابقه‌دار است که بارها به اتهام سرقت بازداشت شد و به زندان افتاده بود. بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که مخفیگاه متهم در خیابان اسکندری شناسایی و ۱۲ فروردین‌ماه بازداشت شد. متهم در بازجویی‌ها به سرقت اعتراف کرد و گفت: موتورسیکلت را به مردی در میدان گمرک فروخته و پولش را صرف خوشگذرانی کرده‌است. با اطلاعاتی که متهم در اختیار پلیس گذاشت مأموران موفق شدند مالخر را شناسایی و در بازرسی از محل، موتورسیکلت سرتی راهم کشف کنند. سرهنگ کاراگاه داوود فرد، جانشین پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: دو متهم به دستور باز پرس راهی زندان و موتور سیکلت هم به شاکی تحویل داده شد.

## حوادث

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۴۳۵

# عاملان خونین‌ترین جنایت نوروز پای میز محاکمه



بهراد معصومی، برادر مقتول درباره حادثه گفت: من و فرهاد در همان مغازه باهم شریک و همکار بودیم. متهم اصلی دوروز قبل از حادثه به مغازه آمدو گفت می‌خواهد از عاملان حادثه را در یکی از خیابان‌های اطراف در حالی که ناپولن حاوی گوشه تلغن همراه به دست داشتند و لباس‌های‌شان آغشته به خون بود شناسایی و بازداشت کنند. دو منتم در اولین بازجویی‌ها به سرقت خونین با همدستی یکی از دوستان خود اعتراف کردند. همزمان با دستگیری دو منتم‌هم که سومین عضو بدهم که راهی برای فرار نداشت خود را تسلیم پلیس کرد.

**■ اعتراف عاملان حادثه به جنایت**
در حالی‌که تحقیقات در این باره جریان داشت از بیمارستان خبر رسید که فرهاد به علت شدت جراحت جانش را از دست داده‌است بنابراین پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل شد

عامل اصلی حادثه که مردی ۲۴ساله بود در شرح ماجرا گفت: در بررسی صفحه اینستاگرام فرهاد متوجه شدم که او صاحب یک مغازه فروش گوشی موبایل در خیابان کاشانی است، بنابراین تصمیم به سرقت از مغازه او گرفتم و ماجرا را با دو نفر از سوم گروه همکارم در میان گذاشتم که موافقت کردند. مطابق نقشه ابتدا به محل چندروز مغازه وی را تحت نظر گرفتیم و دوروز قبل از حادثه به عنوان خریدار وارد مغازه‌اش شدم و شرایط را بررسی کردم اما آن روز خرید انجام ندادم. به فرهاد گفتم که قصد خرید یک گوشی گرانقیمت برای برادرم اردام اما به خاطر شرایطی که برایم پیش آمد فعلاً بخودم بول ندارم و اصرار کردم که روز جمعه به مغازه بیاید تا بتوانم همراه برادرم خرید انجام دهم. وقتی با اصرارم موافقت شد قبول کرد. آنکه برادرم به مرگ مغزی مبتلا شد پیشنهاد اهدای اعضای وی مطرح شد که من و برادر دیگرم که به بیمارستان بودیم، با این موضوع موافقت کردیم و امیدوار بودیم که با این کار خدایسندانه بتوانیم چند بیمار را درمان کنیم تا توانا آن به پای برادرمان نوشته‌شود. اما به مسئولان بیمارستان گفتیم که باید از پدر و مادرمان هم اجازه بگیریم که پس از تماس با آنها هر دو نفرشان اعلام رضایت کردند و ما علاوه بر دو بچه قلب بافت‌های هر دو دست و پای او اهدا کردیم.

**■ اهدای اعضا**
برادر مقتول درباره اهدای اعضای برادرش گفت: پس از آنکه برادرم به مرگ مغزی مبتلا شد پیشنهاد اهدای اعضای وی مطرح شد که من و برادر دیگرم که به بیمارستان بودیم، با این موضوع موافقت کردیم و امیدوار بودیم که با این کار خدایسندانه بتوانیم چند بیمار را درمان کنیم تا توانا آن به پای برادرمان نوشته‌شود. اما به مسئولان بیمارستان گفتیم که باید از پدر و مادرمان هم اجازه بگیریم که پس از تماس با آنها هر دو نفرشان اعلام رضایت کردند و ما علاوه بر دو بچه قلب بافت‌های هر دو دست و پای او اهدا کردیم.

**■ صدور کیفرخواست**
با کامل شدن تحقیقات اولیه سه‌متهم به محل جرم

# عاملان خونین‌ترین

# جنایت نوروز پای میز محاکمه



منتقل شدند و صحنه جنایت را بازسازی کردند. سه روز بعد از حادثه خونین بود که پونس اسدی‌مقدم، دادستان اسلامشهر اعلام کرد که پرونده به صورت ویژه بررسی و با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شده‌است. وی ادامه داد: برای عاملان حادثه درخواست اشد مجازات مطرح شده‌است که در صورت صدور حکم قصاص و تأیید در دیوان عالی کشور آی در محل وقوع حادثه و در ملاعاًم اجرا خواهد شد.

**■ بازداشت اولین دزد سال همزمان با تحویل سال**

اولین سارق پایتخت در سال جدید لحظاتی بعد از تحویل سال بازداشت شد. سرهنگ محمد قربان منصوری، رئیس کلانتری ۱۵۲ خانی‌آباد توضیح داد: ساعت ۷:۲۰ صبح نخستین روز سال ۹۹ مأموران گشت انتظامی کلانتری ۱۵۲ خانی‌آباد در حال گشت‌زنی بودند که با مرد جوانی در حال باز کردن آیفون تصویری مغازه روبه‌رو شدند. مأموران که به برادرش فرهاد یک جوان مشکوک شده بودند به سراغ وی رفتند و در حال که مرد جوان ادعا کرد که از ساکنان ساختمان است، مدیر ساختمان درخواست پلیس به جلوی در آمد و مشخص شد این مرد از اهالی این ساختمان نبوده و قصد سرقت آیفون تصویری را داشته‌است. بدین ترتیب مرد جوان که راهی جز اعتراف نداشت اعتراف کرد: با توجه به خلوتی خیابان در زمان سال تحویل سرقت آیفون تصویری را داشتم که پلیس سر رسید و دستگیر شد.

**■ بازداشت قاتل فراری**
دشمن فروردین‌ماه مأموران پلیس آگاهی تهران موفق شدند که دو نفر از آنها در جریان فرار با شلیک گلوله قتل از محل متواری شده بود بازداشت کنند. حادثه قتل ساعت یک بامداد نهم دی‌سال قبل حوالی کلانتری ۱۷۷ خاور شهر اتفاق افتاده بود. وقتی مأموران پلیس در محل حاضر شدند مشخص شد که پس از ۲۴ساله‌ای به نام سامان با ضربه چاقو از ناحیه کتف چپ هدف قرار گرفته و بعد از انتقال به بیمارستان شهادی هتیمت جانش را از دست داده‌است. برادر مقتول که به‌نام مادی داشت، گفت: من و برادرم در حال عبور از محل بودیم که پا دو برادر، به نام‌های صابر و یاسر، که بچه محل‌مان بودند، مواجه شدیم.

# سرقت‌های سریالی مرد پارک‌وکار به شیوه مرد عنکبوتی

**■ گفت‌وگو با سارق پارک‌وکار**
فرزاد، سارق سابقه داری است که ورزش پارک‌و را به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کند و فکر می‌کرد آینده درخشانی در انتظارش است اما وسوسه یک شبه پولدار شدن سرشوت او را تغییر داد و آینده‌اش را خراب کرد.

**■ فرزند معنادی؟**
نه، من ورزشکار حرفه‌ای هستم و حتی سیگار هم نمی‌کشم. چه رشته‌ای ورزش می‌کنی؟ من از دوران کودکی باشگاه می‌رفتم ابتدا زینماستیک و بعد که کمی بزرگ‌تر شدم وارد رشته پارک‌و شدم و الان هم به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کنم. چه شد که وارد بانده سرقت شدی؟ طمع پول. می‌خواستم یک شبه ره صد ساله را بروم که خطا رفتم و اولده شدم.

**■ بیشتر توضیح بده؟**
من عاشق بالا رفتن از آزار تفاع بودم و به همین خاطر از حر کاتم فیلم می‌گرفتم و در فضای مجازی به اشتراک می‌گذاشتم از آنجا که دوستانم معروف شدند به فر زاد قبول همین شهرت کار دستم داد. چند سال قبل یکی از دوستانم پیشنهاد داد از حرفه‌ام برای پولدار شدن انتخاب کنم. او پیشنهاد داد به ما به سرقت برویم و می‌گفت من به آسانی از دیوارها پاسا می‌روم و راحت سرقت می‌کنم. ابتدا قبول نکردم اما بی پول بودم و کم کم وسوسه پولدار شدن باعث شد پیشنهاد او را قبول کنم.

**■ یعنی شما مثل مرد عنکبوتی از ساختمان‌ها بالا می‌روی؟**
بله، البته ابتدای کار برای بالا رفتن از یک ساختمان سه طبقه

# دستبردارقان به مؤسسه خیریه

سه سارق که به یک مؤسسه خیریه در خیابان جیحون تهران دستبرد زده بودند بازداشت شدند.

به گزارش جوان، چند روز قبل وکیل مؤسسه خیریه جمعیت امام علی وارد کلانتری ۱۰۸ نواب شد و وقوع سرقت را گزارش داد. او گفت به علت شیوع کرونا خیریه مدتی است تعطیل است اما امروز که مدیر مرکز برای سرکشی راهی محل شده بود متوجه شده دزد به آنجا زده و ۸۰۰ میلیون تومان از اموال خیریه را سرقت کرده‌است.

بعد از مطرح شدن شکایات مأموران پلیس با حضور در محل دوربین‌های مداربسته را بررسی کردند و متوجه شدند سارقان سه مرد جوان هستند که سوار بر خودروی تیپای سفیدرنگ در محل حاضر شده و در سه مرحله اموال خیریه را سرقت کرده‌اند.

پس از به دست آمدن این سرخ بود که تحقیقات برای بازداشت سارقان به جریان افتاد. در حالی که بررسی‌ها در جریان بود مأموران کلانتری درگیری مقابل یک ساختمان مسکونی با خبر و در محل حاضر شدند. شاکی که همان وکیل مؤسسه خیریه بود، خودش را به مأموران رساند و گفت: در حال عبور بسودم که متوجه شدم خودروی تیپای سارقان خیریه مقابل این خانه پارک شده‌است. در حال برسی موضوع بودم که یکی از سارقان از خانه خارج شده و به من حمله کرد که پلیس از راه رسید و منتم بازداشت شد.

بعد از به دست آمدن این اطلاعات مأموران پلیس وارد مخفیگاه متهمان شده و مقدار زیادی از اموال سرقت شده را کشف کردند. منتم بازداشت شده گفت: من صاحب خودروی تیپای سفید هستم و مدتی قبل با نقشه از قبل طرح شده از مؤسسه خیریه سرقت کردیم. او سپس مخفیگاه دو همدستش را در خلایز به پلیس معرفی کرد که متهمان بازداشت شدند. سرهنگ هوشنگ امیری، سر کلانتر پلیس پیشگیری تهران بزرگ گفت: متهمان در بازجویی‌ها سه جرم خود اعتراف کردند. وی گفت: تحقیقات کرد که متهمان برای کشف جرائم بیشتر آنها در جریان است.

### سرقت خودرو و با ویلچر

مرد ویلچر سوار که در پوشش مسافر خودروی رانندگان را اسرقت می‌کرد بازداشت شدند.

به گزارش جوان، چند روز قبل مأموران کلانتری ۱۵۲ خانی‌آباد هنگام گشت‌زنی به مردی رهگذر مظنون شدند و از او تحقیق و وجود نداشت او را آزاد کردند تا اینکه یک روز بعد مأموران کلانتری هنگام گشت‌زنی بار دیگر با همان رهگذر مواجه شدند. مرد رهگذر اما این بار با دیدن خودروی گشت پلیس از محل متواری شد و مأموران بعد از تعقیب وی را بازداشت کردند.

مرد جوان این بار در بازجویی‌ها به ارتکاب چند سرقت در شهرستان شهریار اعتراف کرد. متهم گفت: من روزها سوار یک ویلچر می‌شدم و در پوشش مسافر سوار خودروهای مسافربر می‌شدم. وقتی آننده می‌خواست که ویلچر را داخل صندوق عقب بگذارد پشت فرمان می‌نشستم و فراری می‌کردم.

سرهنگ محمدرضا منصوری، رئیس کلانتری ۱۵۲ خانی‌آباد گفت: متهم به شش قره سرقت به این شیوه اعتراف کرد و تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر او در جریان است.



حدود سه‌دقیقه یا کمی بیشتر زمان لازم داشتیم اما الان یک دقیقه‌ای از ساختمان سه طبقه بالا می‌روم.

**■ تالان از چند طبقه بالا رفتی؟**
معمولاً تا طبقه سوم و چهارم بالا می‌روم و سرقت می‌کنم و بیشتر از آن امتحان نکردم. سابقه داری؟

بله، در این ۱۰سال که سرقت می‌کنم شش بار دستگیر شدم. به مأموران پلیس گفته بودی که پارک‌و کار هستی؟

نه، سعی کردم این راز و بر ملا نکنم. **■ چطور محل سرقت و انتخاب می‌کردی؟**

من و همدستم که مدتی است باهم کار می‌کنیم در خیابان‌های شمالی پرسی می‌وزیم و خانه‌هایی که برقشون خاموش بود برای سرقت انتخاب می‌کردیم. همیشه خانه‌های است از آنجایی می‌کردم که با توجه نوع ساخت آن و موقعیش ورود به آن غیر ممکن بود اما من مثل عنکبوت از طریق پنجره وارد آنجا می‌شدم و پس از سرقت طلا و پول از همان راه خارج می‌شدم. در این مدت پیش آمده بود با صاحبخانه روبه‌رو شویدی؟

بله یکبار ساختمان سه‌طبقه‌ای را برای سرقت انتخاب کردیم از طریق پنجره وارد طبقه سوم شدم و پس از سرقت به طبقه دوم رفتم که دیدم صاحبخانه خواب است از آنجایی که من روی پنجه پاراه می‌روم و راه رفتن صدایی ندارد صاحبخانه متوجه نشد.

**■ حرف آخر؟**
پشیمان هستم. می‌توانستم با ورزش آینده درخشانی داشته باشم اما وسوسه پولدار شدن مرا سارق کرد.